



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 16 rd.
Year/NO: 2 Summer 2023**

The position, validity and methodology of the book Al-Modavvana Abi Ghanem Khorasani in Abadhi jurisprudence.

Sotoudeh Kaviri Arani Mehdi¹ Khushdel Mofard Hossein² Nasehi Mohammad³

Received date: 2023/05/27
Acceptance date: 2023/09/16

Abstract

The jurisprudential works of Abadiyyah - a sect that branched off from the Kharijite body which has continued its political and ideological life until now - are important not only in the study of the history of this sect, but also in the jurisprudential studies of the history of Islam, especially in the areas of the peninsula and North Africa. They deserve attention. Among the authors of Abazi works, Bishr bin Ghanem (Abu Ghanem Khorasani) has a prominent position. In this article, the validity of al-Maduna Abu Ghanem and the author's reliability and his method have been investigated, and the most important question to investigate is the position and validity of this book among muhaddiths and jurists. The result is that it is difficult to prove that al-Maduna is fake and baseless, which some non-Abadi scholars have attached to it, and Abadi scholars agree on the authenticity and authenticity of its hadiths. One of the strengths of al-Maduna is accuracy in quoting hadiths, comparative studies and comparative jurisprudence, and expressing jurisprudential issues in the form of questions and answers. However, confusions such as the mixing of hadith with the sayings of elders, as well as the inclusion of narrations unrelated to the topic of each chapter and messenger, and the interruption of narrations, are considered the weaknesses of this book. There is a possibility that these weaknesses made their way into the book due to Abu Ghanem not editing the book himself.

Key words: Fiqh, Abadiyah, Al-modavvana alkobra, Abu Ghanem Khorasani, Hadith

¹. PhD student in Theology and Islamic Studies, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran khosh11@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran (corresponding author) khoshdel15@yahoo.com

³. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran dr.mnasehi@gmail.com

جایگاه، اعتبار و روش شناسی کتاب المدونه الکبری ابی غانم خراسانی در فقه اباضی

مهدی ستوده کویری آرانی^۱ حسین خوشدل مفرد^۲ محمد ناصحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

چکیده

آثار فقهی اباضیه - فرقه ای منشعب شده از پیکره خوارج که تاکنون به حیات سیاسی و عقیدتی خود ادامه داده - نه تنها در مطالعه تاریخ این فرقه از اهمیت برخوردار است، بلکه در مطالعات فقه پژوهی تاریخ اسلام به ویژه در نواحی شبه جزیره و شمال آفریقا در خور توجهند. در میان مولفان آثار اباضی، بشر بن غانم (ابوغانم خراسانی) از جایگاه برجسته ای برخوردار است. در این مقاله به اعتبار سنجی المدونه الکبری ابوغانم و بررسی وثاقت مولف و روش او پرداخته شده است و مهمترین سوال تحقیق جایگاه و اعتبار این کتاب نزد محدثین و فقهاست. نتیجه به دست آمده آن است که اثبات جعلی و بی اساس بودن المدونه الکبری که برخی علمای غیر اباضی به آن قائل شده اند، دشوار است و علمای اباضی بر اصالت و صحت روایات آن اجماع دارند. از نقاط قوت المدونه الکبری دقت در نقل احادیث، مطالعات تطبیقی و فقه مقارن و بیان مباحث فقهی در قالب پرسش و پاسخ است؛ ولی به هم ریختگی هایی نظیر اختلاط حدیث با اقوال بزرگان و همچنین درج روایات غیر مرتبط به موضوع هر باب و مرسل و منقطع بودن روایات، ضعف این کتاب شمرده می شود. این احتمال وجود دارد که به علت عدم تدوین کتاب توسط خود ابوغانم این ضعف ها به کتاب راه یافته باشد.

کلمات کلیدی: فقه، اباضیه، المدونه الکبری، ابوغانم خراسانی، حدیث

مقدمه

طرح مساله

کتاب المدونه الکبری اثر بشر بن غانم، از فقیهان اباضی خراسان در نیمه دوم سده دوم هجری، کهن ترین کتاب جامع فقه و حدیث اباضی است (مشهور و دیگران، ۱۹۹۴، ص. ۱۳۲). این مقاله به معرفی این کتاب و مولف آن پرداخته و تلاش دارد تا از چهار جنبه مختلف آن را بررسی کند: ۱. شخصیت و وثاقت علمی ابوغانم و مقبولیت ایشان در نزد دانشمندان ۲. اعتبارسنجی کتاب در نزد دانشمندان ۳. روش روایی ابوغانم در جمع آوری احادیث فقهی و صحت احادیث با تکیه بر بررسی اسانید احادیث ۴. نظم و اسلوب کتاب. انتظار می رود این مقاله به این پرسش ها پاسخ دهد: اولاً آیا ابوغانم شناخته شده و توثیق شده است؛ ثانیاً کتاب المدونه الکبری او چه جایگاهی در میان کتب فقهی متقدم دارد؛ ثالثاً این کتاب چه نقاط ضعف و قوتی دارد. شایان ذکر است تاکنون به زبان فارسی مقاله یا پژوهشی در خصوص این کتاب چاپ نشده است. از این رو نوآوری در عنوان این تحقیق و محتوای آن وجود دارد. بدنه و متن اصلی این مقاله حاصل بررسی کتب و مقالات متعدد عربی و به روش اسنادی و کتابخانه ای به انجام رسیده است.

اباضیه (برای اطلاعات در خصوص شکل گیری این فرقه رک: اعوشت، ۱۴۰۹، ص. ۱۹؛ درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۲۰۵ و شماخی، ۱۴۰۷، ص. ۷۰). در حال حاضر پیروان نسبتاً زیادی دارد و مرکز اصلی آنان کشور عمان است. با وجود آنکه اباضیه از انشعابات خوارج است، اما در مسایلی چون امامت، تقیه و مقبولیت حضرت علی علیه السلام اختلافات مهمی با خوارج دارند (برای آشنایی با عقائد اباضیه رک: ملک مکان، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۱؛ ضیائی، ۱۳۹۰، ص. ۳۱۱) این فرقه به دلیل اعتدال در تفکرات و اندیشه ها، تنها فرقه ای از خوارج است که بعد از حدود چهارده قرن تاکنون باقی مانده، با این وجود عدم اطلاع و آگاهی از این مذهب و پیوند تاریخی آن با جریان انحرافی خوارج تا حدودی سبب شده، اباضیه را فرقه ای از خوارج دانسته و به آثار فکری و اعتقادی ایشان مانند روایاتی که از اباضیان متقدم نقل گردیده بی توجهی شود (خلیفات، ۱۹۷۸، ص. ۱۲). از این رو پرداختن به کتب روایی و محدثین این فرقه جایگاه ویژه و مهمی دارد. حضور افرادی همچون ابوغانم و استادش ربیع بن حبیب در قرن دوم را باید تحول مهمی در حدیث و فقه اباضیه دانست، به گونه ای که احادیث فقهی منقول از وی موجب شد جایگاه حدیث در این فرقه بیش از پیش نمایان شود. بی شک، شناسایی کهن ترین و معتبرترین جوامع حدیثی و فقهی فرق و مذاهب اسلامی و اعتبارسنجی آن، می تواند نتایج ارزشمندی در پی داشته باشد.

شخصیت شناسی و معرفی ابوغانم

شخصیت و وثاقت ابوغانم

بشر بن غانم، از فقیهان اباضی خراسان در نیمه دوم سده ۲ ق / ۸ م است. آلبانی او را مجهول دانسته و احتمال می دهد ابوغانم یونس بن نافع خراسانی باشد (البانی، ۱۴۱۵، ج. ۳، ص. ۶۶۱). به نظر می رسد آلبانی با توجه به این که کنیه هر دو نفر، ابوغانم بوده دچار اشتباه شده باشد. ابن حبان در الثقات، یونس بن نافع را اهل مرو دانسته که از وی ابی زبیر و حامد بن آدم روایت نقل نموده و در سال ۱۵۹ ق فوت نموده است (۱۹۷۵، ج. ۷، ص. ۶۵۰)؛ در صورتی که علمای سیر متفقند که بشر بن ابوغانم در نیمه دوم قرن دوم می زیسته و در آخر قرن دوم نیز فوت کرده است (رک: شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۳۶۹). همچنین کتب تاریخی، سفر بشر بن ابوغانم را به تاهرت در زمان خلافت عبدالوهاب بن عبدالله بن رستم گزارش کرده اند، از آنجا که خلافت وی در سال ۱۸۵ ق بوده (شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۳۶۹) و فرزند وی افلح بن عبدالوهاب از جمله شاگردان بشر بن ابی غانم بوده می توان گفت گفته البانی که وی را متوفای ۱۵۹ ق می داند اشتباه است.

علما و پیروان اباضی از ابوغانم به جلالت و عظمت یاد کرده اند. در این مورد اظهار نظر ستایش آمیز ابو عبدالله محمد بن بکر، بنیان گذار عزابه (برای آشنایی با این اصطلاح نک: ادامه مقاله)، قابل توجه است (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۳۸۹). از جمله صفات اخلاقی و علمی ابوغانم در راه تحمل و روایت احادیث که در کتب تاریخی ثبت شده به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. **صبر در طلب علم:** ابوغانم در راه جمع آوری احادیث فقهی، جهد و کوشش فراوان داشته است. صبر و استقامت ابوغانم را در سفرهای علمی و در دیدار با مشایخ مختلف به وضوح می توان دید، به طوری که در بعض موارد دچار بی مهری شده و التفات و توجهی از سوی بعضی شیوخ دریافت نمی کند و حتی کلمات دلسرد کننده مثل "یا عاجز" از صبر و همتش نمی کاهد (ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۳، ص. ۳۳).

۲. **احترام به محدثین:** ابوغانم از بزرگان اباضی و غیر اباضی با تکریم یاد می کند. (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۲، ص. ۳۲۲). این

تکریم در نقل اقوال مخالفان بیشتر حایز اهمیت است به طوری که استفاده از الفاظی مثل شیخ حتی برای مخالفان، نشان از ادب و احترام وی از علما و دانشمندان دارد (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۳، ص. ۳۵).

۳. دانش و اطلاعات حدیثی: وسعت اطلاعات وی در مباحث مختلف و تطبیق ها و اقتران های فقهی و استفاده از اقوال بزرگان اباضی و غیر اباضی و همچنین توضیح و تبیین، تأیید و رد آن ها در کتاب ابوغانم مشهود است (ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۲، صص ۱۸۰ و ۱۸۱). بدین جهت ابن خلفون اندلسی عالم رجالی (۵۵۵-۶۵۶ق) با اشاره به کتب اختلاف الفتیا، وی را ستوده و او را عالم ترین علمای اباضیه معرفی می کند (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۳۱۸).

۴. تتبع در مسایل و فروع آن: ابوغانم در طرح موضوعات فقهی، معتقد به اتمام آن است یعنی تمام جوانب آن را مورد بررسی قرار می دهد. ابوغانم در این زمینه نه تنها خود را محدود به آرا و نظرات استادش ابو عبیده نکرده بلکه به دنبال کشف تمام جوانب موضوعی به تتبع و بررسی اقوال دیگران حتی مخالف پرداخته است. هدف وی از این رویکرد، گامی استوار در تاسیس مدرسه فقه اباضی و تدوین کتب لازم برای آن است. (هادی، ۱۴۲۷، صص. ۲۶ و ۲۷) درجینی معتقد است اگر ابوغانم نبود هیچ مساله فقهی برای اباضیه باقی نمی ماند (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۱۳۸).

۵. امانت در نقل راویان احادیث: ابوغانم در نقل قول ها امانت دار است. وی ضمن نقل مطلبی از استادش ابن عبدالعزیز می گوید که این سخن را از زبان وی نشنیده است: «لم اسمعه منه، والله اعلم» (ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۳، ص. ۶۰). همچنین بعد از نقل حدیثی از استاد دیگرش ابوالمورج اشاره می کند که اسم همه راویان را به یاد ندارد: «لست اجدنی احفظ اسموهم» (ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۲، ص. ۳۹۱).

مشایخ و شاگردان ابوغانم

علاقه وافر ابوغانم به فراگیری و نشر علم باعث کثرت اساتید و شاگردان وی گردیده است. در میان کسانی که ابوغانم در محضرشان شاگردی کرده و در المدونه خود از آنان روایت کرده تعدادی مشهورند که عبارتند از:

- ۱- ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه تمیمی (متوفی ۱۴۵ق) (نک: ناصر و شبیانی، ۱۴۲۷، ج. ۲، صص. ۲۲۶-۲۲۷).
- ۲- ربیع بن حبیب بصری (متوفی ۱۷۵ق) (نک: شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۶؛ ابن سلام، ۱۴۰۶، ص. ۱۱۰؛ بطاشی، ۱۴۱۳، صص. ۱۶۵-۱۶۹؛ راشدی، ۱۴۱۳، ص. ۲۷؛ کندی، ۱۴۰۴، صص. ۷۱ و ۷۲ و سعیدی، ۱۴۲۷، ص. ۲۹).
- ۳- ابو سعید عبدالله بن عبد العزیز بصری: از شاگردان معروف ابو عبیده که اعتبار وی در نزد ابوغانم بسیار بالا بوده، به طوری که در المدونه الکبری بیش از ۱۱۰۰ بار از او به بزرگی و جلالت نام برده است (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۲، صص. ۲۳۹-۲۴۰؛ ج. ۳، ص. ۵).
- ۴- ابوالمورج عمر بن محمد قدمی یمنی (باجو، ۱۴۱۲، ج. ۱، ص. ۲۷). وی نیز از جمله موثقان و امانتداران نقل حدیث در نزد ابوغانم بوده (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۲، ص. ۸۰) و بعد از عبدالله بن عبد العزیز بیش از ۱۰۰۰ بار در المدونه الکبری از او نام برده شده است.
- ۵- ابو سفیان محبوب بن رحیل عبدی قرشی مکی: (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۹۰). ابوغانم در المدونه الکبری بیش از ۱۰۰ بار از وی نام برده است.
- ۶- ابومنصور حاتم بن منصور خراسانی: از فقهای مبارز اباضی که در مصر اقامت داشته است و از اصحاب ربیع بن حبیب و از شاگردان ابو عبیده و از جمله اساتید برجسته ابوغانم بوده، از این رو ابوغانم در المدونه الکبری بیش از ۱۱۰ بار از وی نام برده است (نک: شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۱، صص. ۱۰۶ و ۲۳۲؛ راشدی، ۱۴۱۳، ص. ۲۴۶).
- ۷- ابوالمهاجر هاشم بن المهاجر حضرمی یمنی: فقیه پرتلاش اباضی و از طبقه ربیع بن حبیب بوده است (راشدی، ۱۴۱۳، ص. ۲۳۹). ابوغانم در المدونه الکبری ۱۲ بار از وی نام برده است.
- ۸- عبدالله بن عباد مصری: شماخی وی را شیخ مرضی و فقیه معرفی می کند (۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۲۳۹) ابوغانم در سفرش به مغرب با او ملاقات نموده و از محضرش بهره برده و شاید علت کثرت نام وی در آخر المدونه الکبری نیز به جهت این ملاقات باشد. ابوغانم در المدونه الکبری بیش از ۱۰۰ بار از وی نام برده است.

همان طور که اشاره شد ابوغانم علاقه وافر به نشر علم خصوصاً اندیشه های مذهبی داشت و با این رویکرد شاگردان زیادی داشته است، ولی صاحبان کتب سیر از شاگردان وی به دلیل کثرت آن ها نام نبرده اند و فقط به دو شاگرد

مشهور و موثر در نشر اندیشه و تفکرات فرقه اباضیه - ابو حفص عمرو بن فتح نفوسی و افلح بن عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن رستم (امام سوم دولت رستمی اباضی) - بسنده کردند (بارونی، ۱۹۸۸، ج. ۲، ص. ۲۷۸).

۱- ابو حفص عمرو بن فتح نفوسی (متوفی ۲۸۳ق): عمرو بن شاگردان پر تلاش ابو غانم بوده است. درجینی وی را بحر علوم، ضابط، حافظ، صابر معرفی نموده است (۱۳۵/۲). عمرو بن ثوق ابو غانم بوده و بدین جهت المدونه الکبری خود را در نزد وی امانت گذاشت. عمرو بن ثوق از او خواست تا از روی مدونه وی نسخه برداری کند ولی او این اجازه را به عمرو بن نداد و شاید هم دلیل این مخالفت این بود که وی قصد داشته مدونه خود را ویرایش و مرتب کند. اما عمرو بن به سخن ابو غانم توجه نکرد و المدونه الکبری وی را به همراه خواهرش نسخه برداری کرد (شماخی، ۱۴۰۷، ص. ۱۹۲). اگرچه ابو غانم وی را سارق العلم خطاب قرارداد ولی عمرو بن بدان افتخار نموده و با این نسخه، المدونه ابو غانم به عنوان متن معتبر فقهی پذیرفته شد و نام ابو غانم برای همیشه در مغرب بر جای ماند و این کتاب در مغرب با نامهای الغانمی، الغانمیت و دیوان ابی غانم نیز شناخته می شده است (همان، ص. ۱۰۶).

۲- افلح بن عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن رستم: افلح در سال ۱۹۰ ق امام سوم دولت رستمیان^۱ شد. در طول سفر ابو غانم به تاهرت^۲ و دیدارش با افلح، وی از المدونه ابو غانم نسخه برداری کرد (نک: فواد، ۱۹۶۱، ج. ۲، ص. ۲۳۶) ولی در جریان سقوط تاهرت و حریق کتابخانه رستمیان در سالهای پایانی سده ۳ ق نسخه المدونه در آتش سوخت. این عالم و فقیه اباضی در سال ۲۴۰ هجری (۸۵۴ میلادی) وفات یافت (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۱، ص. ۷۲ و شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۱۶۶، زرکلی، ۱۹۸۰، ج. ۲، ص. ۵).

آثار ابو غانم

ابو غانم برگرفته‌های روایی و فقهی خود را در کتابی به نام المدونه الکبری گردآورده که بدان خواهیم پرداخت. به جز المدونه الکبری، تألیف دیگری نیز از وی در دست است که اختلاف الفتوی نام دارد (برادی، ۱۹۹۴، ص. ۵۸). این کتاب شامل روایات فقهی ابو غانم از ابو عبیده است، اما برخلاف المدونه الکبری به شیوه پرسش و پاسخ نوشته نشده است. بنا به تصریح یوسف بن خلفون، این کتاب از آن ابو غانم خراسانی بوده و در سده ۶ ق هم پای المدونه رواج داشته است (نک: شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۰۶). کتاب حدیثی دیگر ابو غانم خراسانی، احتمالاً الدیوان المعروف علی علماء الاباضیه است که در آن روایات قتاده بن دعامة سدوسی تابعی، در هفت بخش جمع و تدوین شده است (نامی، ۲۰۰۱، ج. ۱، ص. ۱۳۳).

ابو غانم برگرفته‌های خود از مشایخ یاد شده در زمینه فقه اباضیه، به خصوص آراء ابو عبیده را در کتابی گرد آورد که به مناسبت شیوه تألیف، المدونه الکبری نامیده شد. این کتاب از حیث اسلوب پرسش و پاسخ به الرسالة السحنونیه از ابو عبدالله محمد بن سحنون بن سعید بن حبیب تنوخی (۲۰۲-۲۵۶ ق / ۸۱۷-۸۷۰ م)، فقیه مالکی شباهت دارد.

این کتاب به نام های دیگر نظیر مدونه ابو غانم، دیوان ابو غانم، الغانمیه، الدیوان، الغینیه، المدونه الصغری، المدونه الکبری، کتاب اختلاف الفتیا نیز مشهور است. (باجو، ۱۴۱۲، ص. ۵۰)

عوامل تدوین المدونه الکبری

همانگونه که بیان شد المدونه الکبری ابو غانم از مصادر اصلی فقه اباضیه است. در تدوین المدونه چند عامل اساسی نقش داشته است:

الف. اباضیه به شدت تلاش داشتند تا احادیث پیامبر (ص) را از منابع اصلی آن جست و جو کنند. به گونه‌ای که سفر به منظور تتبع در طلب و یافتن حدیث یکی از ضرورت‌های تحقیق در این زمینه بود. بر همین اساس، مسافت‌های بسیار دور هم مانع رسیدن به این هدف نمی شد. بسیاری از بزرگان اباضی برای شنیدن احادیث نبوی و اخذ اجازات برای نقل حدیث به مناطق مختلف و گاهی بسیار دور از وطن خویش مسافرت می کردند. سفرهای جابر بن یزید به بصره، مکه و مدینه از این قبیل است که جابر در این سفرها به محضر بسیاری از صحابه و تابعین رسیده و از آن ها طلب حدیث نموده است.

۱. رستمیان دودمانی ایرانی تبار از امامان اباضی مذهب بودند که از سرزمین فعلی عراق به شمال آفریقا مهاجرت و در شمال آفریقا به پایتختی تیار ت الجزایر از ۷۷۷ تا ۹۰۹ میلادی یک حکومت اسلامی اباضی برپا نموده و قصد قیام و براندازی عباس طوطون حاکم طرابلس را داشتند. نام این دودمان از عبدالرحمن بن رستم بن بهرام بن سام بن کسری گرفته شده است (رک: الموسوعه المیسره فی تراجم أئمة التفسیر والإقراء والنحو واللغة - مجله الحکمه - بریتانیا. ۱۴۲۴-۲۰۰۳، صص. ۳۱-۴۹)

۲. تاهرت، یا تیهرت، شهری کهن در شمال الجزایر و پایتخت دولت اباضی مذهب رستمیان

ربیع بن حبيب فراهیدی، ابوغانم بشرین غانم خراسانی و ابی عبیده مسلم بن ابی کریمه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این راستا ابوغانم به صرف تلمذ و شاگردی بسنده نکرده و سفر علمی و عملی داشته است. دو سفر علمی از اهمیت بسزایی برخوردار است:

۱. سفر از خراسان به بصره: ابوغانم که شهرت و آوازه ابو عبیده را شنیده بود برای فراگیری اصول و فروع مذهب اباضی به بصره رفت. به نظری رسد ابو غانم، مدت کوتاهی همراه و همنشین امام ابو عبیده بود و این امر در مدونه وی کاملاً مشخص است چرا که بیشتر روایت‌های آن را از طریق شاگردان بزرگ ابو عبیده فرا گرفته است. توجه و تلاش وی برای آگاهی یافتن از احادیث و آثار در مدونه وی واضح و ستودنی است (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۱، ص. ۷).

۲. سفر از بصره به مغرب: ابوغانم پس از وفات ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه (متوفی پیش از سده ۱۵۸ ق) در زمان ریاست ربیع بن حبيب برای تحصیل علم راهی بصره یا احتمالاً مکه شد و از شاگردان ابو عبیده دانش آموخت. وی در دوران حکومت عبدالوهاب بن عبدالرحمن امام رستمی تاهرت (۱۶۸-۲۰۸ ق / ۷۸۴-۸۲۳ م) راهی مغرب عربی شد و در تاهرت نسخه‌ای از المدونه را به عبدالوهاب تقدیم نمود. در سفر به مصر با عبدالله ابن عباد مصری یکی از شاگردان ابو عبیده دیدار کرد و بعضی از گفته‌ها و روایت‌های وی را به مدونه خود اضافه کرد. سپس مسیر خود را به سمت جبل نفوسه ادامه داد و در آنجا به عمروس بن فتح دیدار کرد و مدونه خود را نزد وی به امانت گذاشت. ابوغانم در راه بازگشت، نسخه امانت گذارده را از عمروس بازگرفت و با خود به مشرق آورد (نک: درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۳۲۰). عمروس از او خواست تا از روی مدونه وی نسخه برداری کند، ولی او این اجازه را به عمروس نداد و شاید هم دلیل این مخالفت این بود که وی قصد داشته مدونه خود را ویرایش و مرتب کند؛ اما عمروس به سخن ابو غانم توجه نکرد و مدونه وی را به همراه خواهرش نسخه برداری کرد. (شماخی، ۱۴۰۷، ص. ۱۹۲) این اتفاق موجب گشت نام ابوغانم برای همیشه در مغرب بر جای ماند و المدونه به عنوان متن معتبر فقهی پذیرفته شد. این کتاب در مغرب با نامهای الغانمی، الغانمیت و دیوان ابی غانم نیز شناخته می‌شده است (شماخی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۰۶). وی سفر علمی خود را ادامه داد تا به (تاهرت) پایتخت دولت رستمیه رسید و در آنجا با افلح بن عبد الوهاب دیدار کرده و مدتی در نزد وی اقامت کرد. در طول این سفر، امام افلح از مدونه وی نسخه برداری کرد (نک: فواد، ۱۹۶۱، ج. ۲، ص. ۲۳۶).

ب. در دیدگاه اباضیه، امامت و حکومت یکی از مسائل اساسی و کلیدی به شمار می‌آید، اگرچه آنها به آن رویکردی فقهی تاریخی دارند. مراحل امامت یا مسالک مذهب اباضی، یعنی ظهور، دفاع، شراء و کتمان سبب شده تا این فرقه اسلامی همچنان حیات داشته و حتی دارای حکومت و حکمرانی باشد. پایین ترین و چهارمین مرحله و در عین حال با اهمیت ترین درجه جهاد در زمان عدم ظهور «مرحله کتمان» است. «کتمان» یعنی اینکه شخص معتقدات خویش را مخفی نگه دارد تا از جانب مخالفان اباضی خویش که اجازه اظهار عقاید را به آنها نمی‌دهند، مورد قلع و قمع قرار نگیرد. این مرحله زمانی است که اباضیان در ضعف شدید و اندکی نیرو قرار داشته و به هیچ رو، توان مقابله با مخالفان خویش در رد مظالم و انکار منکر جز به سبب نارضایتی قلبی نداشته باشند. اباضیان در این مرحله به تشکیل مجالس مذهبی، ساخت مسجد، تعلیم و تربیت، و نشر اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خویش می‌پردازند.

در این مرحله، فعالیت اباضیه دو بعد دارد: سامان دهی جامعه اباضی در داخل در عرصه‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سامان دهی روابط خارجی جامعه اباضی با مخالفان دینی و مذهبی خویش؛ در اینجا است که نقش اساسی و کاربردی «نظام عزابه» و پس از آن «نظام قبیله‌ای» در مرحله کتمان به خوبی روشن می‌گردد (مجموعه من الباحثین، ج. ۱، ص. ۵۶). ابوغانم در بصره در چنین زمانی به تدوین المدونه الکبری، به دور از امور سیاسی به کتابت آراء و اختلاف و بنای ادله شرعیه اباضیه پرداخته است. (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۹).

ج. عصر تدوین المدونه الکبری مصادف با دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی امیه و فزونی قدرت بنی عباس بود. در آن زمان، شور و شوق علمی بی سابقه‌ای در جامعه اسلامی به وجود آمد و علوم مختلفی اعم از علوم اسلامی، همچون: قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، کلام و... یا علوم بشری مانند: طب، فلسفه، نجوم، ریاضیات و... پدید آمده بود. از سوی دیگر، عصر برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف نیز بود. فرقه‌هایی همچون: معتزله، جبریّه، مرجئه، غلات زنادقه و... هر کدام عقاید خود را ترویج می‌کردند. ریشه بسیاری از اختلافات مذهبی به اختلاف فقهای به ویژه فقها مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی، و حنبلی) و برخی فرق دیگر از جمله اباضیه بر می‌گردد. یعنی تعدد آرای فقهی فقها زمینه‌ای شد، برای تعدد آرای کلامی و اعتقادی؛ زیرا آنان برای اثبات حقانیت آرای فقهی خویش و انطباق آن با موازین شرع درصدد یافتن مبانی کلامی

اجتهاد بر آمدند و به توجیه عقلانی دیدگاه های فقهی خویش پرداختند (اشعری، ۱۳۶۲، ص. ۱۵). از این رو عده ای این عصر را عصر جنبش فکری و فرهنگی نامیدند (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج. ۵، ص. ۵۶۰).

اعتبارسنجی کتاب

اعتبارسنجی کتاب نزد محدثین و فقهای اباضی

رویکرد متقدمین اباضیه در زمینه تدوین احادیث فقهی متفاوت است، اباضیان متقدم چندان تأکیدی بر تدوین آثار مستقل حدیثی نداشته اند، از آن رو که احادیث نبوی را که صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بر پایه ضوابط و عقاید کلامی می پذیرفته اند، نقل می کردند (ابن جعفر، ۱۹۸۱، ص. ۹۰). با این وجود بیشتر علمای اباضی بر وثاقت و اهمیت این کتاب اذعان دارند. برخی معتقدند در جریان سقوط تاهرت و حریق کتابخانه رستمیان در سالهای پایانی سده ۳ ق نسخه المدونه در آتش سوخت و نسخه عمروس که در مغرب منحصر به فرد بود، اساس نسخ بعدی قرار گرفت (نک: درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۳۲۳) این کتاب دست کم تا زمان تشکیل حلقه عزابه در سده ۵ ق، متن اساسی فقه اباضیان مغرب بوده است. احتمال می رود اشکالاتی که بر المدونه مخصوصا بر سند احادیث آن بیان می شود به دلیل عدم نگارش و تدوین نسخه نهایی و گسترش یافته آن در مغرب زمین توسط خود ابوغانم باشد.

اعتبارسنجی کتاب نزد محدثین غیر اباضی

دو دلیل عمده باعث گشت تا علمای حدیث اهل سنت روایت های بسیار کمی از اباضیه نقل کنند و به تبع آن منابع حدیث اباضیه را مجهول بخوانند و یا از نظر صحت زیر سوال ببرند. دلیل اول این که آن ها اباضیه را جزء خوارج به حساب آورده اند، بنابراین همان حکمی را برای آن ها قائل شده اند که برای خوارج داده اند؛ آن ها خوارج را جزو افرادی به حساب آورده اند که حدیث مبدع دارند؛ یعنی کسانی که بهتر است تا جائی که امکان دارد از آن ها روایت نشود چرا که «اگر از آن ها روایت گفته نشود و مهجور شوند، نوعی اهانت و مجازات برای آن ها تلقی می شود» (ابن رجب، ۱۴۰۷، ص. ۳۵۷) این همان مفهومی است که ثوری به آن پرداخته است: «هر کس که از مبتدع سخنی بشنود، خداوند از آن چه شنیده به او سودی نمی رساند و هر کس با او دست دهد، اسلام را به صورت پی در پی و دسته دسته نقض کرده است.» (خطیب، بی تا، ج. ۱، ص. ۱۳۸)

دلیل دوم این که اباضیه مخالف دولت اموی بودند و بر همین اساس، در برابر بسیاری از سخت گیری های آن ها اعتراض می کردند و تعداد زیادی از رهبران این فرقه مانند جابر بن زید بن زید و ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه و ضمام بن سائب به زندان افتادند. همین امر سبب شده بود که مردم از همنشینی با اباضیه به شدت پرهیز کنند و تا جائی که امکان داشت از آن ها دوری می گزیدند تا مورد خشم بنی امیه قرار نگیرند. بدون تردید این رفتارها به شدت بر روابط دیگران با اباضیه و نیز اباضیه با دیگران تأثیر گذاشته بود و در نتیجه بر تعداد احادیثی که از آن ها گرفته و یا اباضیه از دیگران گرفتند، اثر گذاشت.

علاوه بر موارد ذکر شده و سوای از مباحث فقه الحدیثی المدونه الکبری، آن چه این رویکرد را خاص و ویژه تر نموده، نظر اهل سنت، درباره اوج اعتبار صحیحین و معیار بودن آن در صحت احادیث دیگر است، به طوری که اگر روایاتی با روایات صحیحین و یا حتی یکی از جوامع اهل سنت در تعارض باشد، روایت جوامع، مقدم خواهد بود. به عبارتی دیگر صحیح خوانده شدن المدونه الکبری ابوغانم بعد از قرآن و همچنین ارجحیت آن بر صحیحین، باعث هجمه زیاد و عدم اعتبار آن در نزد دانشمندان اهل سنت شده است.

روش ابوغانم در المدونه الکبری و ویژگی های آن

ابوغانم در بیان مباحث هر کتاب فقهی نخست به بیان آیات قرآن می پردازد. (برای نمونه نک: در باب ارث، ۱۲۶/۳-۱۲۷؛ در باب مساله تحلیل زن واهله، ۱۹۴۸، ج. ۲، ص. ۲۱۶ و ۲۳۲ و ۲۲۱ و ۳۱۱؛ در باب زن معسر، ۱۹۴۸، ج. ۲، ص. ۲۴۳). وی پس از بیان آیات به روایات نبوی اشاره می کند. ابوغانم اکثر روایات را از هفت نفر اساتید خود به نام های ربیع، ابوالمورج، ابومهاجر، ابویوب، حاتم بن منصور، ابوغسان و عبدالله بن عبدالعزیز که همگی شاگرد ابو عبیده بودند نقل می کند (ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۱، ص. ۳۹). او پس از روایات به اقوال صحابه اشاره می کند (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، صص. ۳۳ و ۳۴) و به اقوال فقهای اباضی و در ادامه به آرای فقهای غیر اباضی مثل ربیع الرای، ابراهیم نخعی، ابن ابی لیلی، ابوحنیفه و... می پردازد. ابوغانم در المدونه الکبری بیش از ۴۰ بار نام ابراهیم نخعی را آورده و در اکثر موارد نظر وی را موثق و قابل اعتماد می داند (رک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۳، ص. ۸).

ویژگی های المدونه الکبری

- بکر بودن مطالب: المدونه الکبری ابوغانم خلاصه آرای علمای اباضیه متقدم است، لذا به جهت بکر بودن و تقدم آن حایز اهمیت است، دانشمندانی چون درجینی وی را عالمی متواضع و فروتن، امانت دار و دارای دقت در نقل می ستایند (درجینی، ۱۳۹۴، ج. ۲، ص. ۳۲۳)، چه بسا بزرگترین آفت فقه، اختلاط مباحث فقهی با آرای علما و تحریفات و تغییراتی که دامنگیر آن شده است (نامی، ۲۰۰۱، ص. ۱۲۰)، از این رو المدونه در شناخت اندیشه های فقهی اباضیه نخستین اهمیت دارد. در قرون اولیه اسلامی محدثان در تالیف کتب فقهی عمدتاً به ذکر روایات اکتفا می کردند و در بسیاری از موارد عیناً از تعابیر احادیث جهت بیان فتوای خویش استفاده می کردند. حتی در کتاب غیر روایی خویش عیناً از الفاظ روایات استفاده می کردند. سعی و تلاش ابوغانم در تالیفاتش خصوصاً در المدونه نیز بر همین رویکرد است و فتوای خود را عمدتاً با نص روایت یا برگرفته از الفاظ روایات تعبیر کرده است.
- تاسیس مدرسه فقهی: ابوغانم را باید مؤسس مدرسه فقهی اباضیه دانست و المدونه الکبری در واقع شیوه اجتهاد اباضیه را در فقه و اصول نشان می دهد (باجو، ۱۴۱۲، ص. ۱۱).
- فقه مقارن: مهمترین بخش از علوم متداول در میان مسلمانان علوم نقلی بوده، که در تنظیم حیات فردی و اجتماعی، و شکل دهی مظاهر تمدن اسلامی مهم ترین نقش را داشته اند. این علوم، زمانی کمال و استحکام خویش را پیدا خواهد نمود که اختلاف آراء، ادله هر یک از صاحبان آراء و رویکردهای متفاوت آنها در بررسی مسائل دیده شود. عالمان مذاهب اسلامی به خصوص فقها و متکلمین، سعی نمودند تا ضمن دفاع از مذهب کلامی و یا فقهی خویش، از رهیافت مطالعات تطبیقی نیز برای تبیین مسائل اعتقادی و فقهی بهره جویند. لذا مطالعات تطبیقی و مقارنه‌ای به ویژه در حوزه مذاهب، از اهمیت و ضرورت بسیاری برخوردار است. این روش در بین مسلمانان، از آن روی که به مقایسه و بررسی آراء و مذاهب مختلف می پردازد به «مطالعه مقایسه‌ای»، «مقارنه‌ای» و یا «علم‌الموازنه» و «علم‌الخلاف» شهرت یافته و آثار و کتب زیادی از علمای شیعه و سنی با چنین رویکردی نوشته شده است. بزرگترین نقطه قوت ابوغانم مباحث تطبیقی فقهی است و به نوعی باید اذعان نمود ابوغانم در شیوه فقه مقارن بسیار قوی عمل نموده است. چه بسا در مساله ای نظر عالم غیر اباضی را را مورد تایید قرار می دهد (رک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۳، ص. ۷۹).
- مباحث اخلاقی: المدونه ابوغانم علاوه بر مباحث حدیثی و فقهی، حاوی نکات تربیتی است. البته ابوغانم کتاب حدیثی تدوین کرده ولی در لابلای مباحث حدیثی رهیافت هایی از اخلاق و منش عالمانه خود به یادگار گذاشته است. مباحثی مثل احترام به استاد، رابطه شاگرد و استاد، آداب گوینده و شنونده، آداب فتوا دهنده و مقلد، تعامل فقها و سایر علما
- طرح سوالات علمی - فقهی: پرسش و پرسش گری اگر برای کشف حقیقت و فهم واقعیت باشد، نه تنها از فضایل اخلاقی است، که در پاره ای اوقات از نظر شرعی نیز واجب است. کسی که مسائل شرعی خود را نمی داند، یادگیری آنها بر او واجب است و اگر راه فهم حکم و مسأله ای در پرسش باشد، پرسیدن واجب خواهد شد. پیامبر اکرم (ص) پرسش را به عنوان کلید خزاین و گنجینه های دانش معرفی می کند (غزالی، بی تا، ج. ۱، ص. ۱۵). یکی از صفات بارز ابوغانم که در نوشته هایش واضح است حرص و ولع وی برای کسب علم و طرح سوال است. سوالات مکرر و پیگیری های مجدانه ابوغانم و بررسی جوانب یک موضوع نشان از اهمیت این روش نزد او دارد و همین امر باعث غنای المدونه الکبری گشته است (نک: ابوغانم، ۱۹۴۸، ج. ۱، صص. ۲۴۹ و ۲۵۱).

سند احادیث المدونه الکبری

طبق ادعای علمای اباضیه، تعداد احادیثی که اباضیه از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند و نزد آنان توثیق شده، چهار هزار حدیث است؛ نهصد حدیث در «اصول» (عقاید و مبانی) و بقیه در آداب و احکام (نامی، ۲۰۰۱، صص. ۱۲۹ - ۱۳۰). این در حالی است که مدونه ابوغانم شامل ۱۴۰ روایت از حضرت رسول اکرم (ص) می باشد و مطالب باقیمانده شامل ۲۴۵ قول صحابه و ۱۹۰۷ از اقوال فقهای مذهب اباضی و ۴۰ قول از فقهای مذاهب دیگر، که به استثنای روایات نبوی می بایست در باب حجیت اقوال صحابه و فقهای مذاهب مبحثی مستقل انجام گیرد.

۱- روایات فقهی: از مجموع ۱۴۰ روایت مدونه، ۲۱ روایت متصل السند و بقیه غیر متصل (منقطع، معضل و معلق) است و این نکته برای کتابی که یکی از بزرگترین منابع فقهی اباضیه می باشد ضعف بزرگی است.

از مجموع ۱۴۰ روایت، ۱۱۵ روایت آن از ۴ نفر از اکابر اباضی نقل شده است. بیشترین روایت از ابوالمورج نقل شده که تنها ۱۹ مورد آن متصل است. از عبدالله بن عبدالعزیز ۴۱ روایت نقل شده که ۳۳ روایت در گروه معضل قرار دارد و از شخصیت عالمی

چون حاتم بن منصور ۱۹ روایت نقل شده که همگی معضل هستند. شاید وثاقت بالای ابوالمورج و ابن عبدالعزیز و حاتم باعث گشته ابوغانم احساس نیازی به آوردن سند نکند. ولی به نظر می رسد اهتمام زیاد ابوغانم در جمع اقوال صحابه، فقهای مذهب اباضی و غیر اباضی وی را در بررسی اسناد روایات باز داشته باشد.

۲- اقوال صحابه: ابوغانم در المدونه خود مجموع ۲۴۵ قول از صحابه نقل کرده است که بیشتر آن از ۱۰ صحابه است و نقل ۳۳ روایت روایت از حضرت علی (ع) نشان از عدم تعصب ابوغانم دارد و همچنین روایاتی که از عمار یاسر، ابوذر و سلمان فارسی موید این نظر است. تعداد اقوالی که از صحابه نقل کرده به شرح زیر است:

۱۰	عایشه	۹	ابوبکر
۹	عبدالله بن عمر	۶۰	عمر بن خطاب
۵	زید بن ثابت	۱	عثمان
۱	حذیفه	۳۳	علی بن ابیطالب
۲	ابو موسی اشعری	۶۹	عبدالله بن عباس
۲	ابوسعید خدری	۳۳	عبدالله بن مسعود
۲	جابر بن عبدالله انصاری	۱	عبدالرحمن عوف
۱	عمار یاسر	۱	ابوذر غفاری
۲	سعد وقاص	۱	سلمان فارسی
۱	عبدالله بن زبیر	۲	ابوهریره

۴- اقوال فقهای مذهب: عمده تلاش ابوغانم جمع اقوال فقهای مذهب جهت تدوین فقه اباضیه است. وجود ۱۹۰۷ قول از ۱۶ نفر از فقهای اباضی موید این نکته است. کثرت نقل از عبدالله بن عبدالعزیز، ابوالمورج، ربیع و ابوعبیده نشان از اوج وثاقت آنان در نزد ابوغانم دارد.

۱۱	ابوالمهاجر	۶۸۹	عبدالله بن عبدالعزیز
۱۱	ابوایوب	۴۵۲	ابوالمورج
۱۰	محبوب بن رحیل	۳۵۹	ربیع بن حبیب
۶	ضمام	۱۳۷	ابوعبیده
۵	ابو نوح	۶۸	عبدالله بن عباد مصری
۲	شعیب	۵۷	حاتم بن منصور
۱	حاجب	۴۱	ابوغسان مخلد
۱	ابوتمیم	۲۵	جابر

۵- فقهای مذاهب دیگر: ابوغانم در المدونه خود ۴۰ قول از فقهای مذاهب غیر اباضی را در جهت ایجاد فقه مقارنه ای خود و مطالعات تطبیقی آورده است.

۸	شریح قاضی	۱۴	ابراهیم نخعی
۲	ربیع الرای	۶	حسن بصری
۱	ابویوسف	۱	ابوحنیفه
۱	عمر بن عبدالعزیز	۱	محمد بن حسن
۱	ابن ابی لیلی	۱	عطاء بن اسلم

ابواب و ساختار المدونه

کتاب المدونه توسط دکتر مصطفی باجو با تحقیق و بررسی و مطابقت نه نسخه خطی موجود و با تعلیق محمد بن یوسف اطفیش توسط وزارت فرهنگ عمان در سال ۱۴۲۸ق در سه جلد چاپ رسیده که شامل چهارده کتاب در ابواب فقه به شرح زیر است:

- کتاب اول: طهارت (۴۹ صفحه) ابوغانم همچون دیگر فقها کتاب خود را با مبحث طهارت آغاز و در ادامه به مباحث نجاسات، وضو، غسل میت و تیمم می پردازد.
- کتاب دوم: نماز (۱۰۴ صفحه) ابوغانم در این بخش به اوقات نماز، اذان، قبله، لباس، رکوع و سجود قرائت می پردازد.
- کتاب سوم: زکات (۱۷ صفحه) ابوغانم در این بخش به اختصار به مبحث زکات فطره و دیگر مباحث مرتبط می پردازد.
- کتاب چهارم: صیام (۱۵۳ صفحه) در بخش روزه آنچه برای ابوغانم اهمیت و اولویت دارد مباحث رویت هلال، شروط صحت و ابطال روزه، و روزه مسافر است.
- کتاب پنجم: حج (۱۰ صفحه) ابوغانم در این بخش که کوتاهترین بخش المدونه است فقط به مباحث ذبح و صید و همچنین اعمال عید قربان در حج می پردازد.
- کتاب ششم: نکاح (۲۰۴ صفحه) بعد از کتاب بیع بیشترین رقم احادیث و مباحث در باب نکاح است. مباحثی مفصل در زمینه صدق، شرط، خیار، لعان، طلاق و متعه؛ ابوغانم ضمن نقل اقوال بزرگان و علمای دیگر مذاهب به نقد و بررسی آن می پردازد.
- کتاب هفتم: بیع (۲۳۹ صفحه) به نظر می رسد مهمترین موضوع فقهی در نزد ابوغانم مبحث بیع باشد، وی با طرح موضوع ربا به بیان انواع بیع و عقود اسلامی نظیر سلف، مشارکت، اجاره، مضاربه، وکالت و... می پردازد.
- کتاب هشتم: هبه و نحل (۱۹ صفحه) ابوغانم ضمن پرداختن به مبحث صدقه نکاتی نیز در باب هدیه مطرح می نماید که به اختصار عنوان شده است.
- کتاب نهم: اعتاق (۲۱ صفحه) ابوغانم سلسله روایاتی را در باب مکاتبه و احکام مرتبط مطرح نموده است.
- کتاب دهم: وصایا (۲۵ صفحه) ابوغانم با طرح موضوع وصی به بیان آداب مرتبط با وصیت می پردازد.
- کتاب یازدهم: شهادت (۱۴ صفحه) ابوغانم پس از توضیح در باب شهادت، به موضوع شهادت کودکان و شهادت زنان می پردازد.
- کتاب دوازدهم: قضا (۱۴۹ صفحه) این بخش با طرح موضوع صلح آغاز و در ادامه به مباحث یمین می پردازد. به نظر می رسد برخی روایات این باب در عنوان مرتبط درج نشده است.
- کتاب سیزدهم: شراب و حدود (۷۳ صفحه) ابوغانم مبحث شراب را در یک بخش مجزا مطرح می کند که ناشی از اهمیت آن در نزد وی دارد، در ادامه به مباحث سرقت، زنا و حدود دیگر اسلامی می پردازد.
- کتاب چهاردهم: دیات (۲۰ صفحه) در این بخش انواع دیه و احکام مرتبط عنوان شده است.

نتیجه گیری

کتاب المدونه اثر بشر بن غانم، از فقیهان اباضی خراسان، کهن‌ترین کتاب جامع فقه و حدیث اباضی است. حضور افرادی همچون ابو غانم و استادش ربیع بن حبیب در قرن دوم را باید تحول مهمی در حدیث و فقه اباضیه دانست، به گونه ای که احادیث فقهی منقول از وی موجب گشت جایگاه حدیث در این فرقه بیش از پیش نمایان شود. علما و پیروان اباضی از ابوغانم به جلالت و عظمت یاد کرده و صفات اخلاقی و علمی متعددی برای او برشمرده اند؛ اما سایر علمای حدیث اهل سنت، روایات بسیار کمی از اباضیه نقل می کنند و منابع حدیث اباضیه را مجهول می دانند و یا صحت آن ها را زیر سوال می برند. علت اصلی این نگاه آن است که اهل سنت، اباضیه را جزء خوارج و بدعت گذاران در دین به حساب می آورند.

ادعای مجهول بودن ابوغانم و به دنبال آن مجعول بودن المدونه وی، چه بسا به افراط و غلو گراییده است. دلیلی نداشته که مشایخ بعدی اباضی عمده روایات رایج در بین اباضیه را به شخص واحدی مانند ابوغانم نسبت دهند، جز اینکه ابوغانم بعد از ربیع بن حبیب اباضی نقش اصلی را در انتقال میراث روایی سلف اباضیه به نسل های بعدی بر عهده داشته است و با توجه به این که نام وی علاوه بر آن که در کتب متقدمین اباضیه قرن سوم و چهارم آمده، در نتیجه نمی توان او را شخصیت مجهولی دانست. اثبات جعلی و بی اساس بودن المدونه دشوار است اگر چه به دلیل عدم تدوین نهایی نسخه به جا مانده در مغرب، توسط خود ابوغانم، اشکالاتی بر این کتاب وارد شده است؛ از جمله به هم ریختگی هایی نظیر درج روایات غیر مرتبط به موضوع هر باب و مرسل و منقطع بودن روایات.

فهرست منابع

- اباضی، ابن سلام (ابن سلام بن عمرو)، (بی تا)، کتاب فیه بدء الاسلام و الشرایع (کتاب ابن سلام)، تحقیق ورنز شوارتز، شیخ سالم بن یعقوب، ویسبادن: انتشارات فرانتز شتاینر.
- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم الشیبانی، (۱۴۰۸)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی، (۱۴۲۶ق)، من لا یحضره الفقیه، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن جعفر ازکوی، ابو جابر محمد، (۱۹۸۱م)، الجامع، مقدمه عامر، عمان: چاپ عبدالمنعم عامر.
- ابن رجب، زین الدین عبدالرحمن بن احمد، (۱۴۰۷ق-۱۹۸۷م)، شرح علل الترمذی، تحقیق همام عبدالرحیم سعید، اردن: الطبعة الاولى، مکتبه المنار.
- اطفیش، محمد بن یوسف، (۱۴۰۶ق)، وفاء الضمانه باء الامانه فی فن الحدیث، مسقط: وزارت التراث القومي والثقافه.
- اشعری، علی، (۱۳۶۲ش)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- اعوشت، بکیر بن سعید، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی الاصول الاباضیه، عمان: مطابع العالمیه.
- آلبانی، محمد ناصرالدین، (۱۴۱۵ق)، سلسله احادیث الصحیحه، بیروت: المکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۲۱ق)، سلسله احادیث الضعیفه، ریاض: مکتبه المعارف.
- _____ (۱۴۱۳ق)، صفه صلاه النبی من التکبیر الی التسلیم کانک تراها، ریاض، طبعه جدیده منقحه و مزیده، مکتبه المعارف للنشر والتوزیع لصاحبها سعد بن عبدالرحمن الراشد.
- بابا عمی، محمد بن موسی، (۱۴۲۱ق)، ناصر و شیبانی، ۱۴۲۷ق، (من القرن الاول الهجری الی العصر الحاضر، قسم المغرب الاسلامی)، بیروت: چاپ محمد صالح ناصر دارالغرب الاسلامی.
- باجو، مصطفی صالح، (۱۴۱۲ق)، منهج الاجتهاد عند الاباضیه، عمان: مکتبه الجيل الواعد.
- بارونی، ابوالربیع سلیمان، (۱۹۸۸م)، الازهار الرياضیه فی ائمه و ملوک الاباضیه، مسقط: وزارت التراث.
- _____ (۱۳۵۷ق)، مختصر تاریخ الاباضیه، تونس، مکتبه الاستقامه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۹۸۶م)، التاریخ الکبیر، بیروت: دارالفکر.
- البستی، محمد بن حبان احمد، (۱۹۷۵م)، الثقافات، بیروت: دارالفکر.
- البطاشی، سیف بن حمود، (۱۴۱۳ق، ۱۹۹۲م)، اتحاف الاعیان فی تاریخ بعض علماء عمان، مسقط: الطبعة الاولى.
- بغدادی، احمد بن علی الخطیب، (بی تا)، الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع، قاهره: موسسه الرساله.
- بهلوی، عبدالله بن محمد بن برکه، (۱۳۹۴ق)، المدونه، تحقیق یحیی عیسی بارونی، بیروت.
- تنوخی، عزالدین، (۱۴۱۳ق)، مسند الامام الربیع بن حبیب، مکانه الاباضیه فی الحضاره الاسلامیه، به کوشش محمد صالح ناصر، قاهره: مکتبه الاستقامه.
- جلالی مقدم، مسعود، (۱۳۷۹ش)، تنها بازماندگان خوارج (جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه)، تهران: نگاه سبز.
- جوزی، ابن قیم، (۱۴۱۵ق)، زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، بیروت: موسسه الرساله.
- جوزی، عبدالرحمان بن علی، (۱۳۸۶ق - ۱۹۶۶م)، الموضوعات، بیروت: دارالفکر، الطبعة الاولى.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (بی تا)، الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع، تحقیق محمودطحان، ریاض: مکتبه المعارف خراسانی، ابوغانم بشر بن غانم، (۱۹۴۸م)، المدونه الصغری، مسقط: وزارت التراث، الطبعة الاولى.
- _____ (۱۹۴۸م)، المدونه الكبرى، مسقط: وزارت التراث، الطبعة الاولى.
- خلیفات، عوض محمد، (۱۹۷۸م)، نشاه الحركه الاباضیه، عمان.

- دارقطنی، علی بن عمر، (۱۹۴۸م)، الضعفا والمتروکون، ریاض: مکتبه المعارف، الطبعة الاولى.
- درجینی، احمد بن سعید، (۱۳۹۴ق)، طبقات المشایخ بالمغرب، تحقیق ابراهیم طلائی، مسقط: مکتبه الاستقامه.
- ذهبی، محمد بن احمد، (۱۹۹۵م)، میزان الاعتدال، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- رازی، عبدالرحمان بن ابی حاتم، (۱۹۵۲م)، الجرح والتعديل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راشدی، مبارک بن عبدالله، (۱۴۱۳ق-۱۹۹۳م)، الامام ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه، عمان: مطابع الوفا - المنصوره، الطبعة الاولى.
- زرکلی، خیرالدین، (۱۹۸۰م)، الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ پنجم.
- سالمی، عبدالله بن حمید، (بی تا)، شرح المدونه الصحیح، مسقط: مکتبه الاستقامه، الطبعة الثالثه.
- _____ (۱۹۹۳م)، طلعه الشمس، مسقط: وزارت التراث، الطبعة الثانيه.
- سامی، علی، (۱۹۷۷م)، نشاء الفكر الفلسفی فی الاسلام، قاهره: دارالمعارف بمصر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۲ق)، بحوث فی الملل والنحل، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، (۱۴۱۵ق-۱۹۹۵م)، فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث، قاهره: مکتبه السنه، الطبعة الاولى.
- سعدی، فهد بن علی بن هاشل، (۱۴۲۷ق)، حاشیه علی مسند الامام الربیع، تعلیقات العلماء علی احادیث المدونه من خلال مولفاتهم، عمان: مکتبه الانفال.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۶ق)، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، دمشق: دارالکلم الطیب.
- ابن شاهین، عمر بن احمد، (۱۹۴۸م)، تاریخ اسماء الثقات، کویت: الدارالسلفیه.
- شماخی، احمد بن سعید، (۱۴۰۷ق-۱۹۸۷م)، السير، مسقط: وزارت التراث، چاپ احمد بن سعود سیابی.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم، (۱۴۰۰هـ)، الملل والنحل، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفه.
- ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن، (۱۹۸۸م)، مقدمه ابن الصلاح، بیروت: دارالفکر.
- ضیائی، علی اکبر، (۱۳۹۰ش)، تاریخ واعتقادات اباضیه، تهران: نشر ادیان.
- طعیمه، صابر، (۱۴۰۶ق)، الاباضیه عقیده و مذهب، بیروت: دارالجلیل.
- عرب، محمد، (۱۳۷۷ش)، آشنایی با مذهب اباضی، تهران: علمی فرهنگی.
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، (۱۴۱۵ق-۱۹۹۵م)، تقریب التهذیب، تحقیق محمد عوامه، دمشق: دارالرشید.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۷ق)، نهج الحق و کشف الصدق، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- غزالی، محمد بن محمد (بی تا)، احیاء العلوم، دارالکتب العربی.
- فراهیدی، ربیع بن حبیب، (۱۴۲۴ق)، المدونه الصحیح، ضبطه و خرج احادیثه محمد ادیس، راجعه و قدم له عاشور بن یوسف، مسقط: مکتبه الاستقامه.
- فواد، سعید، (۱۹۶۱م)، فهرست المخطوطات، قاهره: دارالکتب، قاهره.
- فیاض، عبدالله، (۱۹۸۶م)، تاریخ الامامیه واسلافهم من الشیعه منذ نشاء الشیع حتى مطلع القرن الرابع الهجری، بامقدمه سید محمد باقر صدر، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قنوبی، سعید بن مبروک، (۱۴۱۵ق-۱۹۹۵م)، الامام الربیع بن حبیب، مکاتبه و مسنده، مسقط: مکتبه الضامری.
- کدمی، ابوسعید محمد بن سعید، (۱۴۰۵)، المعبر، تحقیق محمد ابوالحسن، عمان: وزارت التراث القومی و الثقافه.
- مجموعه من العلماء (۱۹۸۹م)، السوال والجوابات، مسقط: وزارت التراث، الطبعة الثانيه.
- مزی، یوسف بن عبدالرحمن، (۱۴۰۰ق)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت: چاپ بشار عواد.
- مصری، خالد بن عبدالرحمن بن زکی، (۲۰۰۹م)، تحذیر المسلمین من مسند الربیع، بیروت: دارالحدیث و الاثر للنشر والتوزیع.
- معمر، علی یحیی، (۱۴۰۶ق)، الاباضیه بین الفرق الاسلامیه، عمان: وزارت التراث القومی و الثقافه.

_____ (۱۳۸۴ق)، الاباضیه فی موبک التاریخ، قاهره: مکتبه وهبه.

نامی، عمرو خلیفه، (۲۰۰۱م)، دراسات عن الاباضیه، ترجمه به عربی میخائیل خوری، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

نجار، عامر، (۲۰۰۴م)، الاباضیه، قاهره: مکتبه القافه الدینیہ.

ناصر، محمد بن صالح و شیبانی، سلطان بن مبارک، (۱۴۲۷ق)، معجم اعلام الاباضیه قسم المغرب، تونس: دارالغرب الاسلامی.

ورجلانی، ابویعقوب یوسف ابراهیم، (۱۴۰۲ق)، حاشیه الترتیب، محشی بحاشیه محمد بن عمر ابوسته، عمان: وزارت التراث القومی والثقافه.

هادی، سیف بن سالم، (۱۴۲۷ق)، مدونه ابوغانم معالم واعلام، رساله دکترا، دانشگاه علوم انسانی مغرب